



الحمد لله خدای متعال به این برادر بسیار عزیزمان - آقای سلیمانی - هم توفیق داده ایشان بارها بارها جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار داده اند در راه خدا برای خدا و مخلصاً لله؛ و مجاهدت کرده اند. ان شاء الله خدای متعال به ایشان اجر بدهد و تفضل کند و زندگی ایشان را با سعادت و عاقبت ایشان را با شهادت قرار بدهد.

عین

۱۳۹۷/۱۲/۱۹

مکتب سلیمانی

شهید، نغمه‌ای که خاطر بی‌قرار هستی هر ایرانی را در هم می‌شکند و هم‌چون تیری، به افق‌های ناشناخته تاریخ پرتاب می‌شود. و چه سعادت، شهادتی که آن‌چنان بی‌ادعا، صامت گفتمانی‌های ناگفته‌ی بسیاری را مصوت کند.

سردار شهید، حاج قاسم سلیمانی، که با خروشی در ضمیر قرار شام، نوای ابدیت سر داد؛ نوای «أشهد أن لا إله إلا الله» که در جان هزاران هزار ایرانی رخنه کرد و تسکین سکان این ساکنین را به تاراج برد؛ چنان که کوچه‌باغ‌های شهر، غرق در تلاطم ندبه‌ای بود که دیدگانش، هر یک داستانی از ارادت را روایت می‌کردند.

شهید حاج قاسم سلیمانی، بزرگمردی که با رفتنش، نه یک سردار، بلکه برکت حضور پدری شفیق و مهرپرور را در کوله‌بارش با خود به همراه برد.

جوانمردی که آلاله‌ی یادش در میان صحرا، یادواره کاروانیان و مسیر و مکتبش، شاه‌راه عشق و ایثار خواهد بود. مکتبی که هر قدمش آموزگار بی‌منت جان‌فشانی و میهن‌پرستی و هر آتش، حکایتی از همراهی آفریده و عبودیت آفریدگار را به تصویر می‌کشد.

او سردار سرداران رزم‌گاهی بود که لشکریانش نه با تیغ و خنجر، بلکه با سراچه‌ی دلی آکنده از وحدت، اخوت و مروت به ولّ عصر، شمشیر می‌زدند و در سایه‌سار ولایت، دست در کار صیانت از وطن بودند.

مکتب او، مکتبی که به من آموخت خدمت به میهن، نه تنها یک فریضه، بلکه یک افتخار است؛ و این، تنها یادگاری حک شده بر طاق مذهب او نبود؛ مکتب او، مکتبی بود که در آن هر قطره گلگون، به خلوص و عشق و سخاوت گواهی می‌داد.

مکتب او مکتبی است که در آن شهادت نه سرانجام، بلکه بدو مسیری است که قرار است چلچراغ راه هم‌مسیرانی باشد که جویای مکتب داد و انصاف جهانی‌اند.

و حالا خاک، خاک وطن، که پیکر اصیل او را دلسوزانه در آغوش گرم خود پیچیده است؛ و دل‌های بی‌قرار ما را به قرار جاودانی مهدی (عج) موعود، تسلی می‌دهد.

● کیمیا حاتمی | دانشجوی رشته آموزش ریاضی

رفتن برق

قصه این روزها قصه بی برقی و شب‌زنده دار است عصر در خانه بمانید و تعطیل است و بیکاریست.

ما معلم‌ها سودمان هم در همین خاموشی است خستگی در می‌کنیم و کارمان در «شاد»ی است

بگذریم از اینکه روزی یکی دو ساعت برق داریم بگذریم از عصر قاجار، یکی دو مورد فرق داریم

راستی خوب است دیگر اخبار دلاری نمی‌آید به گویی

شاید اصلاً فرصتی است، مشتاق شوی، شاید بکوشی

در خیابان هم خبر از ساعت رفتن برق است اینجا ایران من است نه غرب است و نه شرق است

برق‌ها را هردمی وصلش کنید، شاید شود زحمت

ما دعا گو همه می‌خوانیم، بر گور پدر باعث و بانی رحمت

● بابک پورشفیع اتی کندی | دانشجوی مشاوره



توجه تحت تعقیب

موجود فوق که به نام نیروی برق شناخته شده قاتل سریالی وسایل برقی است. روش کار او این است که آنقدر می‌آید و میرود تا وسایل برقی شما بسوزند و زندگی کل مردم را مختل میکند. به کسی که بتواند این موجود را چندروز یکجا نگه دارد مزدگانی بزرگی تعلق خواهد یافت.

برای مشاهده اخبار، دریافت آخرین نسخه و همکاری در نشریه QR کد را اسکن کنید.



گوهر دریای نور

چه شده است! مرا خبر دهید آخر ای رنگین کمان! چرا آسمان بی‌پهنا یا صدای شورانگیز آب پاک، آیه اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ می‌خواند!

چرا ملائک همه غرق شادی و جشن و سرور شده‌اند. بر لب فرشته‌ها این چیست که جاری شده‌است! یا فاطمه یا فاطمه ...

زمین با فخر و ناز، بر خودش می‌بالد! این زمین خاکی را چه شده‌است؟ بر چه می‌بالد؟ قدم چه کسی را بر خود مبارک می‌داند! که از فخر غرق تکبر شده‌است!

جبرئیل (ع) بال پاک و مقدس خود را بر روی زمین خاکی هم‌چون فرشی قرمز پهن کرده‌است! منتظر کیست؟

چلچله از شوق می‌خواند! باد مست بوی کوثر شده‌است. کوه‌ها از عظمت مولودی که قرار است متولد بشود، به خود می‌لرزند.

خورشید از شرم نور کوثر رخ پنهان می‌کند! ماه نقابی از ابر بر چهره می‌اندازد. چه شده است! خانه محمد (ص) چرا هم‌چون مقام کعبه شده

است؟ زمین و آسمان، ملائک عرش الهی و آدمیان، چرا به طواف خانه بی‌تجمل پیامبر

احرام بسته‌اند؟ چه کسی قدم بر جان دل پیغمبر اسلام محمد (ص)، پدر امت می‌گذارد؟

چرا ساکت شده‌ای؟ ای آسمان! تو را به خدا حرف بزن! طاقتم والله طاق شد!

آسمان فریاد می‌زند، اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ! آخر این کوثر کیست؟

کوثر کیست که خدا بشارتش را می‌دهد! این خیر و برکت کیست!

ریشه درخت امامت و ولایت کیست؟ وارث رسول الله کیست!

نور چشم بت شکن کیست؟ آسمان فریاد می‌زند، مگر نمی‌دانی؟

زهرا ی اطهر است! دور شده از آتش، فاطمه پیغمبر است. ام‌ایها. همسر شیر خدا. یاور ولایت و مادر امامت. سیده مؤمنات. سرور کائنات. بانوی هر دو جهان. مادر امام زمان (عج)

مگر نمی‌دانی! امروز خانه پیغمبر میزبان فاطمه است. نور خداوند قدم بر چشم دل می‌نهد.

خورشید ولایت به دنیا آمده‌است. آسمان باز هم تلاوت می‌کند، اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ...

● زهرا ابراهیم زاده دانشجوی رشته آموزش ابتدایی

در فصلی از تاریخ معاصر که به عمق و اندیشه‌های فراتر از مسائل عادی بشر می‌نگرد، نامه تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به میخائیل گورباچوف، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی، مانند برگ‌ریزین به روی نسخه‌ای از تاریخ برج‌مانده است. این نامه، که در دی‌ماه سال ۱۳۶۷ ارسال شد، فراتر از یک پیام دیپلماتیک، حاوی هشدارهایی فلسفی، معنوی و پیش‌بینی‌های اندیشه‌ای بود. امام خمینی (ره) در این مرقومه، ضمن هشدار به اینکه نظام کمونیستی به دلیل ماهیت مادی‌گرایانه و محدودیت‌های ایدئولوژیک، روبه‌زوال است، نیاز بشر به معنویت و الهیات را مورد تأکید قرار دادند. ایشان با بصیرتی محیرالعقول، اسلام را راهکاری برای رفع ناموازنگی‌های زندگی بشر معرفی نمودند و گورباچوف را به تفکر و مداقه در آموزه‌های اسلام فراخواندند.

برای ابلاغ این نامه، امام خمینی هیئتی ویژه به سرپرستی آیت‌الله جوادی آملی را به مسکو اعزام نمودند، که این اقدام نشانه‌ای از اهمیت و جدیت پیام ایشان بود. این نامه، علاوه بر انتقاد از مادی‌گرایی کمونیسم، رویکردهای مخرب اقتصاد سرمایه‌داری غرب را نیز مورد تأکید قرار می‌داد.

پیش‌بینی امام خمینی درباره فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، طی دو سال و در سال ۱۹۹۱ محقق گردید، که این واقعه عمق بینش فرهنگی و سیاسی ایشان را نمایان می‌سازد. گورباچوف هرچند رسماً پاسخی به این نامه نداد، لیکن اظهار نمود که پیام امام خمینی را به صورت جدی مورد تلقی قرار داده بود. نامه تاریخی امام خمینی به گورباچوف، به عنوان سندی ماندگار در تاریخ انقلاب اسلامی و بینش الهی ایشان، همواره خطوطی نورانی را بر صفحه فرهنگ جهان به جا می‌گذارد.

● رضا نوبهاری | رشته آموزش زیست شناسی

رهبر انقلاب: در اسلام، زن و مرد مکمل هم هستند.

جریان سازی غرب برای ترویج بی‌بندوباری از چند صد سال قبل بوده و تا امروز نیز هست. این تفکر آزادی و دوری از هر قید و بندی بعد از دوره رنسانس بیشتر شده و روز به روز نیز درحال افزایش است. گویا انسان فکر می‌کند اگر دنباله روی هیچ قانونی نباشد، و در گیر هیچ اصولی نباشد، آزاد است. حال او می‌تواند شاهانه زندگی کند. حال او می‌تواند هر کاری که می‌خواهد انجام دهد. حال او می‌تواند هر چیزی که می‌خواهد باشد. هر چیز ... حتی حیوان!

اما او نمی‌داند که آزاد شدن از هر اصول و سیستمی، یعنی در بند شدن در یک سیستم دیگر! بله. فرض کنید شخصی آنقدر پول دارد که می‌تواند هرچیزی که می‌خواهد بخرد. آیا او سیر می‌شود؟ آیا کالاها ثابت هستند. آیا دیگر کالایی اختراع نخواهد شد که بتواند زندگی انسان را راحت‌تر سازد؟ خواهیم دید که همان شخص اسیر است. اسیر اینکه هرچیزی که به بازار می‌آید و به قول معروف «برند» است را بخرد.

شاید بخواهید بگویید که همان شخص می‌تواند جلوی خود را بگیرد و در وقت خودش کالایی بخرد یا اینکه اسیر تبلیغات نشده و روی امیال خود کنترل داشته باشد. ولی آیا به سخن خودتان توجه کردید؟ شما همان شخص را محدود کردید. بله شما او را محدود به قناعت‌ورزیدن کرده‌اید.

غرض از این نوشته این است که انسان هیچ‌وقت نمی‌تواند آزاد باشد و آزاد زندگی کند. این طبیعت انسان است. گویی انسان در یک مستطیل است که دو ناحیه دارد. یا می‌تواند محدود به امیال خود باشد. یا می‌تواند محدود به دین خود؛ و در اینجا است که به مفهوم آیه: «ما راه را به او نشان دادیم که یا شکر می‌کند و یا ناسپاسی می‌نماید» پی می‌بریم.

«برابری حقوق زن و مرد» یا «تساوی جنسیتی» که تحفه قدیمی غرب در رخت جدید است، همان آزادی را می‌رساند. آزادی که وجود ندارد. آزادی که پر است از اسارت. برای پی بردن به



این گفته کافی است به آمار تجاوزات زیر ۱۸ سال نگاهی داشته باشید. همه آن‌ها ناشی از آزادی است. آزادی غریز جنون وار یک شخص. و قربانی این آزادی دخترانی خواهند بود که بعد از بزرگ شدن برای آزادی غریز همان اشخاص کار خواهند کرد. و این چرخه ادامه دارد. و این حقیقت است. حقیقت تمدن غرب. و نه اغراق و مبالغه! تصور این جامعه قلبم را آزرده می‌کند. شما را نمی‌دانم.

و اما اگر طرف دیگر ماجرا را نگاه کنیم. یعنی همان طرف اسلام را. اسلام از همان ابتدا کرامت و احترام زن را ارزشمند دانسته و برای این موضوع قوانینی وضع نموده. از کوچک‌ترین آن‌ها که حجاب و پاسداشتن عفت زن است گرفته تا آزادی مالی زن. نمی‌توان اینها را منکر شد چرا که متن صریح آن‌ها را در قرآن می‌توان یافت. همان کتاب حقیقت و روشنایی که نورش دیدگان پول پرستان غربی را آزرده می‌کند و برای خاموشی آن، آن را می‌سوزانند. اما غافل‌اند که: «آتش توهین و تحریف حریف حقیقت نخواهد شد!»

● ولی امیرطاهری/ دانشجوی آموزش ریاضی

مکتب

عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی باعث چه می‌شود؟ بی‌شک یکی از تبعات تحولات جاری در غزه که در ۱۶روز گذشته از جنگ، رسانه‌ها بارها و البته به‌درستی به بازتاب آن پرداخته‌اند، تأثیر این روند بر نابودی پروژه عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی بود. براساس توافق ابراهیم که با دلالتی دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین ایالات متحده کلید خورد، امارات متحده عربی و بحرین در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ به قطار سازش با تل‌آویو پیوستند. این روزها هم با مطرح شدن دالان اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا یا کریدور آمریکایی آی‌مک (IMEC) که از هند آغاز و سپس با عبور از عربستان سعودی و فلسطین اشغالی به اروپا می‌رسد، احتمال سازش ریاض با تل‌آویو بر سر زبان‌ها افتاده بود؛ مسئله‌ای که به اذعان تحلیلگران با تحولات فلسطین همه چیز آن هوا شد. دولت‌هایی که ادعای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را داشتند، تحت فشار افکار عمومی و جنایات آشکار رژیم صهیونیستی پیش چشم مردمشان دیگر نمی‌توانند سخنی در این راستا بیاورند و ناچارند هم‌زمان با مسلمانان و مردم جهان دست‌کم به‌ظاهر هم که شده این جنایات را محکوم کنند یا موضعی معقول بگیرند.

حال فرض کنید عادی‌سازی روابط با اسرائیل انجام بشود. این یعنی جای پای اسرائیل محکم‌تر می‌شود و قدرت‌ش بالاتر می‌رود. حال این وضعیت با وجود آی‌مک به ضرر که خواهد بود؟ پاسخ: ملت ایران!

● مجتبی خمسه | دانشجوی دبیری الهیات

آقا بخوانیم (برگرفته از کتاب فلسطین)

سوء استفاده ی دشمن از غفلت مسلمین ملت اسلام باید بیدار باشد و این وظیفه را فراموش نکند دشمن خدا از غفلت مسلمین سوء استفاده کرد؛ و الا چندصد هزار صهیونیست در اوّل کار بعد هم تا امروز یکی دو میلیون با همه‌ی آن حواشی‌ای که از اطراف دنیا فراهم کردند مگر چقدر قدرت دارند؟ اگر سران کشورهای اسلامی به هوش بودند اگر ملت‌های اسلامی بیدار بودند، مگر کمک‌های آمریکا در آن صورت می‌توانست اسرائیل را نجات بدهد؟ ابداً.

مسلمانان غافل می‌مانند که دشمن می‌تواند اظهار وجود بکند. دشمن چندان قوی نیست؛ ما از قوّت خودمان غافل‌ایم. ۱۳۶۹/۰۸/۰۲